حمل المقید علی الافضلیه به جای حمل المطلق علی المقید

علی ای حال در چنین فضایی او دوباره به جا می‌آورد، کدام را؟ همانی را که درجه‌ای از «وقف» برای او بوده. یعنی «وقف» ولو شب‌های هم نبوده است. ولی روزه گرفت و آسمان هم صاف بود، بعد تبیّن شد که از شهر رمضان بود، در اینجا اصل مطلقات «وقف» حتماً شامل او می‌شود. پس تعبیری «فلا» در روایت معمر به چه معنایی است؟ یعنی افضل این است که چون هوا صاف بود قضا بکند. ملاحظه کردید، اینجا از مقام جمع هیچ مشکلی ندارد. یعنی «وقف» را به وسیله معمر حمل مطلق بر مقید نکنیم، بلکه مقید را بر افضلیت حمل بکنیم. اگر هم در فقه استقراء بکنید، از حیث موازنه شاید بالای پنجاه درصد باشد. یعنی غلبه با این موارد باشد. در مثبتین که اصولیین قشنگ می‌گویند؛ ولی مطلق و مقیدات به‌گونه‌ای باشند که محتاج حمل مطلق بر مقید نشویم. این فضا، فضای بسیاری مهمی در فقه است که به جای گذر از کوچه حمل المطلق علی المقید، از کوچه حمل المقید علی الافضلیه برویم. اعتق رقبة، اعتق رقبة مؤمنة؛ می‌توانید حمل مطلق بر مقید کنید، ای نه، می‌گویید الافضل ان یعتق رقبة مؤمنة.

شاگرد: فرمودید نقطه انطلاقش در جایی است که احتمال خلاف در آن نمی‌رود. یعنی از خودش اضافه کرده باشد ای ... . در قدم‌های بعدی هم اولویت با این است که در این مدل کلمات قدم بردارد؟ ای اولویت این است که یک چنینشی را اراده بدهد که این چنینش صدر و ذیل را به‌خوبی با هم جمع کند؟ ولو اینکه در قسمت‌هایی باشد که احتمال خلاف نقل به معنا باشد.

استاد: این هم خوب است. مخصوصاً اگر مثال‌های آن استقراء شود. شما اگر نقطه انطلاق داشتید، البته ممکن است که نقطه انطلاق نداشته باشید، من عرض نکردم حتماً ضروری است که داشته باشید، راه غالب ذهن‌ها را عرض کردم. ولی اگر نقطه انطلاق داشتیم، خب مراحل بعدی چه می‌شود؟ باز هم برگردیم شبیه نقطه انطلاق قبلی را پیدا کنیم و از آن نقاط استفاده کنیم؟ ای نه، بعد از اینکه نقطه انطلاق شروع شد، این دفعه به‌صورت دور معی، به کل نگاه کنیم؟ اینها مواردش فرق می‌کند. یعنی واقعاً یک جایی هست که بعد از نقطه شروع، مناسب‌ترین طریق فکر، نگاه به جمع است. یعنی کل را به‌عنوان کل نگاه کنیم، مانند یک جدول ضرب. گوای نقطه انطلاق فرمول جدول ضرب را به ما داده، حالا دیگر می‌گویید وقتی وارد جدول شدید، هر خانه با خانه دیگر فرق ندارد، همه آنها جدول است. قبل از اینکه فرمول این جدول را بدانید سرگردان هستید که این جدول چه کار می‌کند. اعداد جور و ناجور است. نقطه انطلاق این است که بگوییم بناء این جدول روی ضرب دو رقمی است. یعنی عدد اول ضرب در عدد دوم. تا این نقطه انطلاق را فهمیدیم، از این به بعد کاری به نقطه خاص ندارید. همه جدول ضرب در ذهن شما هست که شروع می‌کنید به تحلیل کردن. گاهی هم من، در استظهار طوری است که مجبور هستید نقطه دوم و سوم را در گام‌های بعدی لحاظ کنید. اینها نکات خوبی است. اگر مدون شود و با مثال‌ها روشن بود، می‌بینید ذهن ما به فطرت الهی همه

این کارها را انجام می‌دهد. بهترین راه را در استظهار طی می‌کند. اختلاف در استظهار هم برای همین‌جا است. یعنی ذهن‌ها در این‌که از کجا شروع کنند و چطور جلو بروند، متفاوت می‌شوند. خروجی بحث استظهار از یک عبارت، تفاوت می‌کند.

من از نهایهٔ الدرایهٔ عبارتی را خوانده بودم، الآن چون دوباره می‌خواهم سراغ روایت «صم لرؤیهٔ» بروم، آن را دوباره می‌خوانم. چون در باب پنجم و ششم روایاتی مانند آن می‌آید. من زمینه آن را عرض می‌کنم. در فدکیه صفحه ممتع خوبی هم گذاشته‌اند، آن را نگاه کنید. روایات را دسته‌بندی کرده‌اند. آن چیزی که من می‌خواستم بگویم را خیلی خوب و عالی در آن جا آورده‌اند.

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 12:57:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 12:58:07 توسط ... .